

امریکا، جنجال تبلیغاتی و تحریم های جدید

خالد حاج محمدی صفحه ۲

تسلیم کرونا و دولت نشویم!

مظفر محمدی

هر چند ماه یک بار موج جدید اپیدمی کرونا جان خیل عظیمی از انسان ها را می گیرد. در کنار خونسردی حکام، هشدارهای الکی، عمق مصیبت چنان است که ترس و بهت جواب آن را نمی دهد. تنها تسلیم است که این فاجعه را برای مردم قابل پذیرش کرده است. حکام جوامع بشری به مردم می گویند، «با کرونا زندگی کنید»، چرا که مهم این است چرخه اقتصاد و سودآوری سرمایه متوقف نشود. مهم چاره جویی قطعی نیست. مهم جلوگیری از شیوع و مرگ و میر نیست. باید تسلیم شد و به این قضای کشنده رضا داد. غمناک مضحک رقابت بر سر تولید واکسن هم تهوع آور است. بعید نیست تبلیغ بر سر مدل چینی یا روسی یا امریکایی واکسن همانند پوشاک بچه بر صفحات تلویزیون بدرخشند. حدود یک سال است اپیدمی کرونا قربانی می گیرد. یک سال است دولتهای سرمایه داری فارغ از فاجعه ی مرگ و میر چند میلیون انسان، با چنگ و دندان از گردش چرخه اقتصاد دفاع می کنند. ... صفحه ۲

جلادان در نقش ناجی

مونا شاد

زهرا رهنورد روزگاری رئیس دانشگاه الزهرا بود و هزاران دانشجوی دختر، شاهدان زنده ای هستند که توسط خانم زهرا رهنورد بدلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی، برای اعتراض به خواسته های صنفی و غیر صنفی توییح، تنبیه، تحقیر ستاره دار و اخراج شده اند. ایشان البته پستهای دیگری منجمله عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی، که وظیفه اسلامی کردن دانشگاهها و تصفیه دانشگاهها از دانشجویان آزادیخواه و چپ و رادیکال را بعهده دارد، و شغل پرافتخار مشاور سیاسی خامی، در دوره حمله لباس شخصی ها به کوی دانشگاه تهران و به قتل رساندن تعدادی از دانشجویان معترض، را به عهده داشته است. ایشان به میمنت فرصت طلبی، امروز به صف «دگراندیشانی» چون گنجی پیوسته و کارنامه «فعالتهای سیاسی» خود را زیر فرش قایم میکند و اصرار دارد خود را بعنوان روزنامه نگار و هنرمند و «منتقد» رژیم معرفی شود.

اخیرا در یادداشتی که وبسایت «کلمه» از زهرارهنورد منتشر کرده است، مبنی بر اینکه مردم ایران از «اعدامهای ظالمانه، و زندانها و احکام کینه جوینانه بی تابند... به ویژه بعد از قتل بیرحمانه نوید افکاری، جوان ورزشکار میدانهای کشتی، دلشان داغدار و طاقتشان طاق است.»

ایشان در این یادداشت فهرستی از «اقدامات لازم» برای «آزادی و رفاه مردم ایران» را ارائه داده است.

او خواهان «آزادی زندانیان سیاسی و امنیتی، آزادی بیان، توقف اعتراضات اجباری و شکنجه زندانیان، اقدامات اقتصادی برای رفاه زحمتکشان، آزادیهای اجتماعی، برداشتن گشت ارشاد و سیاست خارجی دوست محور شده است.» ... صفحه ۴



عاملین چهار دهه جنایت بر صندلی اتهام

آذر مدرسی

اعدام نوید افکاری، به تحرکی انسانی در اعماق جامعه دامن زد، تحرکی که خبر از تغییر حال و هوای جامعه میدهد! تحرکی که نه تظاهرات میلیونی است و نه اعتصاب کارگری، اما وسیعا فضا را بر جمهوری اسلامی تنگ کرده است!

جمهوری اسلامی که با اعدام مخفیانه و جیونانه نوید افکاری، انتقام از خیزشهای پیشین و «حمله پیشگیرانه» علیه خیزشهای بعدی را هدف قرار داده بود، با عکس العملی غیرمنتظره روبرو شد.

خاکسپاری نوید افکاری را شبانه و به دور از چشم همگان و تحت نظارت اوباش حکومتی انجام دادند، مادر نوید را از وداع و آخرین بوسه بر چهره فرزند محروم کردند. در مقابل، مردم با بوسه باران کردن پوستهای نوید با او وداع کرده و خانواده اش را در آغوش گرم خود گرفتند، مراسمهای بزرگداشت نوید را در شیراز و شهرهای مختلف برگزار کردند، شهر را با پوستهای نوید تزئین کردند، با فریادهای «نوید قهرمان» پاسخ قاتلین را دادند و با تاجهای گل بر مزار قهرمان شان رفتند و نیروهای سرکوب و اوباش رژیم جرات نکردند دست از پا خطا کنند!

این بزرگداشت و فریادهای بغض آلود «نوید قهرمان» دادخواهی مردم علیه چهل سال کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی، که به نام «صدا انقلاب»، «معاند»، و به جرم «اقدام علیه امنیت ملی» و ... توسط جلادان جمهوری اسلامی در برابر جوخه های اعدام در سراسر ایران، است. «نوید قهرمان» فریاد مردمی است که چشم در چشم جانین حاکم دوخته و با افتخار و جسارت یاد دهها هزار انسان شریف و آزادیخواهی که در سایهچالهای رژیم، در برابر جوخه های اعدام، در قتلهای زنجیره ای، در ترورهای سازمان یافته و دولتی، این قهرمانان جدال برای خلاصی از حکومت ترور و اعدام را گرامی میدارند. این اعلام کفرخواست میلیونها انسان علیه چهار دهه جنایت سازمان یافته و دولتی به دنیا است.

اگر دیروز فقط اسماعیل بخشی بود که جسورانه سکوت را شکست و شکنجه گران، اعتراضات اجباری و پرونده سازی ها را علنی افشا کرد و آنها را به مصاف طلبید، امروز خانواده زندانیان سیاسی، سکوت را شکسته و از شکنجه، اعتراضات زیر شکنجه و دادگاههای نمایشی عزیزان خود میگویند! اگر دیروز کارگر هفت تپه از بهبودی امید به «رافت اسلامی» دستگاه قضائیه میگفت، امروز دهها و صدها خانواده اعلام میکنند «رافت اسلامی» یعنی شکنجه و اعدام! قاتلین و شکنجه گران را به مردم معرفی میکنند و برای نجات جان عزیزان خود دست همیاری به سوی میلیونها انسان تشنه آزادی و برابری دراز میکند. این فراخوانی است برای تحرکی عظیم و انسانی برای پایان دادن به بساط اعدام! اگر قوه قضائیه پشت درهای بسته، در بیدادگاههای خود مردم معترض و آزادیخواه را «محاکمه» میکند، اگر دیوار سانسور را چنان بلند و محکم کرده اند که کسی نعره شکنجه گران و فریاد شکنجه شدگان را نشنود، مردم در خیابانها، با گلباران عکسهای نوید افکاری، با قهرمان خواندن آن، با موج وسیع دادخواست خانواده زندانیان سیاسی که در خطر اعدام قرار دارند، با افشا شکنجه ها، اعتراضات اجباری و زیر شکنجه، از پرونده سازی ها و دادگاههای فرمایشی، نه فقط دیوار سکوت را شکستند که در مقابل چشم جهانیان سران جمهوری اسلامی و همه قاتلین و آمرین و عاملین اعدامها، قتلها، ترورها، عاملین چهار دهه جنایت در ایران را در دادگاهی مردمی و علنی بر صندلی اتهام نشاندند و به محاکمه کشیده اند!

حال و هوای جامعه تغییر کرده است! مردمی که مدتها است علیه جانین حاکم کفرخواست خود را داده اند، محاکمه قاتلین و جانین واقعی، عاملین صدها هزار

اعدام را آغاز کرده اند!

آزادی برابری حکومت کارگری

امریکا، جنجال تبلیغاتی و تحریم های جدید

خالد حاج محمدی



او نیز مانند بریتانیا حساب خود را از او جدا کرده اند. گفته های رئیس جمهوری فرانسه در هفتاد و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، روز سه شنبه ۲۲ سپتامبر مبنی بر اینکه «آمریکا در «موقعیت» فعال کردن مکانیسم «بازگشت» خودکار مجازات های پیشین سازمان ملل علیه ایران نیست»، بیان همین حقیقت است.

ایران و دسترسی ایران به سلاح هسته ای و یا عدم پایبندی ایران به توافقات برجام چه در گذشته و چه امروز بهانه است. اصل ماجرا تخصیصات آمریکا با حریفان خود و جنگ اقتصادی با آنها از جمله با چین و روسیه و امروز با اروپا است. جنگ و جدالی که تا کنون و با توجهات مختلف کل خاورمیانه را به میدان توحش و جنایت و به قتلگاه مردم محروم کشورهای مختلف تبدیل کرده است. امروز نیز «امنیت خاورمیانه»، «نجات برجام» و ادامه تحریمها یا توقف آن، جدل بر سر «پایبندی به توافقات بین المللی» مستمکی برای حل و فصل کردن شکافی قدیمی تر میان قدرتهای جهانی است. خروج آمریکا از برجام، اروپا را در موقعیت مناسبی برای تثبیت موقعیت تضعیف شده امروز آمریکا در جهان قرار داد. تلاشی که رقبای دیگر آمریکا مانند روسیه و چین با اشتیاق تمام دنبال و حمایت میکنند.

بعلاوه یک هدف جدی دولت آمریکا در این کشمکش حاشیه ای کردن معضلات عدیده ای است که دامن این کشور را گرفته است. بی کفایتی دولت ترامپ و بی مسئولیتی کامل او در مقابله با کرونا و قربانی شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر در این ماجرا، موج بیکاری و فقر در کنار تبعیض نژادی نهادینه در این مملکت و اعتراضات وسیع و همه جانبه این دوره علیه یک راسیسم تمام و کمال دولتی که سراسر این کشور را فراگرفته است، کل هیئت حاکمه آمریکا را دچار نگرانی جدی کرده است. هدف از افزایش تنشهای برون مرزی و کسب پیروزی هایی هر چند کوچک در دل این تنشها، یا علم کردن موفقیتها و «پیروزی» های برون مرزی مانند بالماسکه «صلح امارات و اسرائیل» و پیروزی در این انتخابات است. مردم در ایران، نه تهدیدات آمریکا و نه تبلیغات سران جمهوری اسلامی و عر و تیزهای «پیروز شدیم» و «توی دهن آمریکا زدیم» و ... جدی میگیرند و نه برای هیچیک از آنها تره خورد میکنند.

اگر تهدیدات ترامپ و تخصیصات او با جمهوری اسلامی قند در دهان طیفی از اپوزیسیون راست مفلوک، از سلطنت طلب تا جمهوری خواه و ناسیونالیستهای رنگارنگ آب کرده، اگر این تهدیدات امید را در دل گروهها و جریانها ضد کارگری و بورژوازی مستاصل زنده کرده، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران به طرفین این کشمکش، از حاکمین بر ایران تا آمریکا و متحدین اش، منجمله اپوزیسیون راست، به عنوان دشمنان قسم خورده نگاه میکنند.

حکمتیست را توزیع

و پخش کنید!

روزهای اخیر دنیا شاهد دوره دیگری از شاخ و شانه کشیدن دولت ترامپ و مقامات آمریکا برای اعمال تحریمهای جدید علیه ایران و فشار به سازمان ملل و دولتهای مختلف دیگر جهت تبعیت از این خواست است. دولت آمریکا مدتی پیش طی بیانیه ای به «نمابندگی» از سازمان ملل اعلام کرده است همه تحریمهای این سازمان علیه ایران که بعد از توافقات برجام کنار گذاشته شده دوباره برخواهد گشت. ترامپ و پمپئو و بقیه همراهان آنها دلیل چنین اقدامی را عدم پایبندی ایران به توافقات برجام، اعلام کرده اند. این در شرایطی است که دولت آمریکا بعد از سرکار آمدن ترامپ از سال ۲۰۱۸، از توافقات برجام خارج شده است.

«ابلاغیه» آمریکا برای از سرگیری همه تحریمهای قبل از برجام علیه ایران، از جانب سازمان ملل و دولتهای مختلف از جمله چین، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلستان با مخالفت روبرو شده است. تحریم تسلیحاتی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی که در ۲۷ مهرماه پایان می یابد و آمریکا خواهان تمدید آن بطور نامحدود است، با مخالفت شورای امنیت روبرو شده است. بعلاوه جوزف بورل هماهنگ کننده سیاست خارجی اروپا نیز اعلام کرده با توجه به خروج آمریکا از توافقات برجام در سال ۲۰۱۸، این کشور حق تصمیم گیری در مورد بازگرداندن تحریمها و فعال شدن «مکانیسم ماشه» بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را ندارد. همزمان وزرای امور خارجه کشورهای آلمان، فرانسه و بریتانیا (سه کشور اروپایی عضو برجام) طی بیانیه ای اعلام کردند که «اقدام آمریکا درباره بازگشت تحریمهای سازمان ملل علیه ایران فاقد اثر قانونی است و هر تصمیم و اقدامی که بر مبنای این روند یا پیامدهای احتمالی آن اتخاذ شود، هم اثر قانونی ندارد». علیرغم تمام این مخالفتها، روسای دولت حاکم بر آمریکا نه فقط در سیاست خود تجدید نظری نکرده، بلکه با شانه بالا انداختن برای «مجامع بین المللی» و دول اروپایی یک تنه تحریمهای جدیدی را اعلام کرده اند. قلدری ای که یکبار دیگر قند در دل اپوزیسیون راست پرو ترامپ آب کرده است.

اقدام اخیر دولت ترامپ، مستقل از اینکه دامنه تاثیرات و عواقب عملی آن بر ایران چه خواهد بود، بیان استیصال کامل ترامپ و همراهان او، و بیان افزایش انشقاق قدیمی تر میان این کشور و متحدین تاریخی او در اروپا است. مستقل از گردنکشی آمریکا، قلدری و تلاش برای تحمیل اتوریته از دست رفته خود بر سایر کشورها، این درجه از گردن کشی و افسارگسیختگی و عدم پایبندی حتی به «توافقات بین المللی»، در دنیای واقعی بیان موقعیت دفاعی و رو به تضعیف آمریکا در مقابل رقبای جهانی خود و بویژه در مقابل کشورهای اروپایی است. دست و پا زدن آمریکا و گردنکشی او در حقیقت تلاش کشوری است که موقعیت گذشته خود را از دست داده است تا جایی که امروز متحدین تاریخی

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

تسلیم کرونا و دولت نشویم...

و امروز در ادامه ی این فاجعه انسانی حکام سرمایه داران، به قیمت جان میلیون ها انسان اقتصاد و سودآوری سرمایه را نجات داده اند. «تو بمیر تا سود سرمایه من کم نشود!» این شعار همه ی دول جهان است. بجز معدودی کشورهای معین که توانسته اند جلو مرگ و میر شهروندان را بگیرند، اکثریت جامعه بشری در گرداب بیماری گرفتار و از نفس کشیدن می افتند.

«با کرونا زندگی کنید!» مصداق به مرگ هر روز هزاران انسان عادت کنید، است. این زندگی نیست، این تسلیم مرگ شدن است. آیا جامعه بشری تسلیم مرگی شده اند که سیاست «اول اقتصاد بعد جان انسان» به آن ها تحمیل کرده است؟ آیا مردم در مقابل مرگ هر لحظه عزیزانشان بی تفاوت شده اند؟ آیا مردم به تسلیم در مقابل مرگ، عادت کرده اند؟ اگر نه وظیفه مردم چیست؟ وظیفه دولت معلوم است. اگر تنها یک کشور توانسته است، کرونا را مهار کند و نگذاشته کسی بمیرد، پس همه ی کشورها می توانستند این کار را بکنند. نکردند و نمی کنند چون اقتصاد بر جان انسان ارجحیت دارد.

دولت جنایتکار روحانی، با کتمان و مخفی کردن شیوع بیماری بخاطر برگزاری انتخابات و عزاداری قاسم سلیمانی، با شانه خالی کردن از قرنطینه شهرها و مناطق بحرانی، با غفلت از تأمین معیشت مردم گرسنه، بازگشایی کسب و کار بدون حفظ امنیت مردم، برگزاری مراسم های مذهبی محرم و تاسوعا و عاشورا، بازگشایی مدارس و... بارها اعلام این که ما کرونا را شکست دادیم و دنیا از ما بیاموزد، خود بانی و باعث شیوع و امواج مکرر بیماری کرونا است.

دولت روحانی هر بار با خونسردی و تمسخر از پیروزی حرف می زند و فردایش صدها نفر می میمیرند و هزاران نفر مبتلا می شوند، جواب مردم به این مترسک شاید چیست؟ درست است قدرت دست آن ها است. درست است، مقابله با اپیدمی کار دولتی است که هم زور دستش است و هم زر. اما زمانی که مردم گرسنه برای نان و آزادی بارها پایه های رژیم را لرزانده اند، اکنون علاوه بر نان و گرسنگی، جان انسان در خطر مرگ است و دسته دسته مردم بیدفاع به کام اپیدمی کرونا می روند، انگیزه و نیروی تعرض به دشمنی که مردم را بی دفاع و قربانی در مقابل بیماری گذاشته است، می تواند چند برابر باشد. وقتی پای مرگ و زندگی به میان می آید، بانیان مرگ انسان ها نباید خواب راحت داشته باشند. آمار رسمی نیم میلیون مبتلا و ۲۵ هزار کشته، از یک سوم آمار واقعی هم کم تر است. شکی نیست آمار فوتی ها بالای صد هزار نفر و مبتلایان چند میلیون نفرند.

تلاش های جسته و گریخته ی مردم برای مقابله با کرونا با تشکیل گروه های مردمی علیه کرونا، همیاری و کمک های مالی به خانواده های بیکار و گرسنه تنها مدت کوتاهی دوام آورد. چرا که توان انسانی و مالی گروه های امداد و دفاع از زندگی، برای مقابله با اپیدمی مرگبارکفایت نکرده و نمی کند.

کجا هستند رهبران و معتمدین محل و پیشروان کارگران و زحمتکشان و گرسنگان که با بسیج هزاران و ده ها هزار نفری، گلوی قاتلان مردم را فشار دهند و از آن ها بخواهند که پاسخ شان به صدهزار کشته و یک میلیون مبتلا چیست؟ پاسخ شان به گرسنگانی که هر

روز به صف آنها اضافه می شود چیست؟ بنا به ادعای دولت بالغ بر یک و نیم میلیون انسان شغل های خود را از دست داده اند. کارگران و زحمتکشان و روشنفکران و تشکل و نهادهای گوناگون نمی توانند و نباید تسلیم وضع موجود شوند. انتظار پایان خودبخودی کرونا بیهوده است. هیچ معجزه ای در کار نیست. می توان و باید جلو این مرگ و میر که یک قتل عام به تمام معنا است را گرفت. مردم به حرف بیایند. می توان از کارخانه تا دانشگاه و بازار و محلات شهرها هیات های نمایندگی مردم برای نظارت بر چگونگی مقابله با اپیدمی کرونا، ابراز وجود کنند و به میدان بیایند.

مردم به ندای کادرهای درمانی پاسخ دهند. خود مستقیماً و با اتحاد و سازمان و رهبری و نماینده هایشان راه های شناخته شده مقابله با کرونا که در خیلی از کشورها جواب داده است را در پیش گیرند.

در ایران چیزی به نام دولت مردم وجود ندارد. یک عده شارلاتان و باغی و بی شرم و حیا قدرت و ثروت را قبضه کرده اند و مردم بیدفاع و گرسنه را هر روز دسته دسته به کام مرگ می فرستند. باید به این قاتلان مردم گفت دیگر بس است. حتی اگر کل بودجه مملکت برای پایان دادن به این مصیبت اختصاص داده شود، هنوز چند برابر بودجه سالانه در صندوق های ذخیره نظام به نام های مختلف خوابیده است. این نظام مشکل پول ندارد. فقط فشار توده های وسیع مردم از محل های کار و زندگی می تواند آن را وادار به چاره جویی و مقابله برای ختم این مرگ و میر کند. کرونا حرف نمی شنود، دولت خود را بیوظیفه کرده است، سکوت و انتظار مردم هم تنها بر عمق فاجعه می افزاید. باید یقه این نظام را گرفت و پاره کرد و نیروهای مردمی راه دخالت و نظارت بر اوضاع را پیدا کنند. بدون این کار هیچ شانسی نیست. سکوت و بی عملی مردم، تنها دشمنانی چون کرونا و نظام جمهوری اسلامی را برای ادامه ی این وضع بحرانی و مرگبار جری تر می کند. باید جلوشان را گرفت و افسارشان را کشید.

این یک وظیفه ی اجتماعی و انسانی و انقلابی است که انجامش بر دوش رهبران و پیشروان و معتمدین کارگران و زحمتکشان و زنان و جوان افتاده است. با هر یک روز تساهل و سکوت مردم، صدها نفر از همسرانشان ما به کام مرگ می روند. باید کاری کرد. گلوی رژیم جنایتکار و بی حیا را بفشارید!

انتظار پایان خودبخودی کرونا بیهوده است. هیچ معجزه ای در کار نیست. می توان و باید جلو این مرگ و میر که یک قتل عام به تمام معنا است را گرفت. مردم به حرف بیایند. می توان از کارخانه تا دانشگاه و بازار و محلات شهرها هیات های نمایندگی مردم برای نظارت بر چگونگی مقابله با اپیدمی کرونا، ابراز وجود کنند و به میدان بیایند.

نه قومی نه مذهبی زنده باد همویت انسانی

باید به خانم رهنوردها گفت: دستان شما، بیشتر از اینها بوی خون می دهد و پرونده ی جنایت تان سنگین تر و سیاه تر از آن است که بتوانید به این سادگی با «آب توبه» آنرا بشوئید!

رئیس جمهور منتخب شما میرحسین موسوی، که شانس دوباره حکومت کردن را پیدا نکرد، از نخستین اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و یکی از بلندپایه ترین اعضا و قائم مقام دبیرکل این حزب در دهه شصت و نخستین سردبیر ارگان حزب جمهوری، و پنجمین و آخرین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ بود. سالهای سیاهی که برای میلیونها نفر در ایران با جنگ، ویرانی، سرکوب، خفقان و بالاخره اعدام و کشتار صد هزار زندانی سیاسی تداومی میشود. سالهایی که جمهوری اسلامی و رئیس جمهور منتخب شما با قلع و قمع کردن کمونیست ها و سوسیالیست ها و هزاران انسان شریف و مبارز، گورهای بی نام و نشان را در جای جای ایران برپا کرد. کشتاری که موسوی از آن بعنوان برخورد طبیعی یک نظام انقلابی با مخالفان خود از آن دفاع میکند و اوج «پشیمانی» اش این است که «اگر روحیه الان» را داشتیم، «می گفتم کمی ملایم تر باشیم» !!

اعدام نوید افکاری، جسارت وی در بیدارگاه رژیم و در تاریک ترین سلول ها و زیر سخت ترین شکنجه ها، شجاعتش در برملا کردن جنایات رژیم، زمین را زیر پای حاکمیت سست و لرزان کرده است. بطوریکه حکومت اسلامی در وحشت از وضعیت نابسامانی که خود برای مردم ساخته، در هراس از شورش ها و اعتراضات سراسری که جرقه هایش در دیماه و آبان زده شده و ادامه دارد، ترس از اعتراضات کارگری که هر روز گسترده تر می شود و کارگران بیشتری در اعتراض به حقوق معوقه و دستمزد ها، وضعیت معیشت و... به خیابان ها می آیند. رژیم در وحشت از شورش گرسنگان، تلاش میکند به بهانه ی مبارزه با «ارازل و اوباش» و با بسیج اوباش وحوش خود در خیابان ها، کنترل محلات و مردم را به دست بگیرد و فضای سرکوب و ارعاب را گسترده تر کند.

اما واقعه چنان مهم بود که خانم رهنورد نمیتوانست بعنوان «منتقد» رژیم در مقابل آن سکوت کند و باید حرفی میزد. در عین حال اعدام نوید «فرستی» بود برای پز دفاع از آزادی های سیاسی و مخالفت با اعدام و... را سر دادن. همانطور که رضا پهلوی و مریم رجوی و پمپئو و ترامپ به خوبی از این فرصت استفاده کردند و «محکوم میکنیم» و «دفاع میکنیم» را راه انداختند. صحبت های زهرا رهنورد که خواهان آزادی بیان و توقف اعتراف گیری و شکنجه و... است به همان اندازه مضحک است که مریم رجوی پوستر بزرگی از عکس نوید افکاری را گلباران میکند. مریم رجوی که مظهر ارتجاع و عقب ماندگی است، کسی که اگر نیروهای اسیرش بتوانند از اردوگاه های مجاهدین خلق با قوانین قرون وسطایی آن نجات یابند، اعتراف می کنند که اردوگاه مجاهدین چه کثافت و منجلاب و شکنجه گاهی است، او تلاش میکند از این نمد کلاهی برای خود بدوزد.

باید به خانم رهنورد، مریم رجوی ها و سلطنت طلبان گفت شما سوابق تان سیاه تر از آن است که نقش منجی و مبشر آزادی بیان و رفاه و آزادی زندانیان سیاسی را بازی کنید. ادعای دفاع از آزادی، لباس گشادی بر تن خانم رهنورد و مریم رجوی ست که هنوز حجاب، ببخشید لچک گل گلی!، این سمبل بردگی زن را بر سر دارید، نیروهایی که پرونده سیاهی در اعدام، کشتار و ترور مخالفین سیاسی خود دارند!

پز مدافع آزادی بودن آقای شاهزاده و طرفداران سلطنت که هنوز سرسختانه از دوره ی سیاه حاکمیت «پدر» دفاع میکنند، کسانی که هزاران نوید در شکنجه گاههای ساواک تان شکنجه و اعدام و ترور شدند، هم طنز تلخی بیش نیست. مردم تاریخ را فراموش نمیکنند.

خانم رهنورد در جایی درست میگویند «مردم طاقت شان طاق شده»، اما فراموش میکنند که مردم طاقتشان از هر حاکمیتی که نماینده فقر و بردگی مزدی است، حاکمیتی که سرکوب و خفقان، هویت قومی یا مذهبی، بخشی از هویت آن است، تمام شده!

جنبش قدرتمندی که از دل پایین ترین اقشار جامعه شکل گرفته است، هر روز رشد می کند و سران جمهوری اسلامی را به جرم تمام جنایان چهل سال گذشته محاکمه و مجازات خواهند کرد. اما همزمان این جنبش همین امروز به تمام مدافعین نظام گذشته، نیروهای سناریوی سیاهی چون مجاهدین «نه» خود را گفته اند. نوید را اعدام کردند، اما حضور مردم و همدردی با خانواده ی او نشان داد جمهوری اسلامی در این زورآزمایی شکست بزرگی را متحمل شده است و این میلیون ها نوید قهرمان آزادی خواه و برابری طلب در دیماه ها و آبان های پیش رو، حساب حکومت اسلامی را یکسره خواهند کرد.

hekmatist.com



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سردبیر: فواد عبداللهی